فهرست

[اصول/ حجیت اطمینان 2](#_Toc91508303)

[مقدمه 2](#_Toc91508304)

[آثار اطمینان 2](#_Toc91508305)

[فرع اول 2](#_Toc91508306)

[احتمالات در مسئله 2](#_Toc91508307)

[احتمال اول؛ حجیت علی الاطلاق 3](#_Toc91508308)

[احتمال دوم؛ علم به خلاف 3](#_Toc91508309)

[احتمال سوم؛ ظن متأخم به علم 3](#_Toc91508310)

[احتمال چهارم؛ 3](#_Toc91508311)

[احتمال پنجم و ششم؛ 4](#_Toc91508312)

[احتمال اول 5](#_Toc91508313)

[احتمال دوم 6](#_Toc91508314)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ حجیت اطمینان

# مقدمه

در حجیت اطمینان به ادله اقامه شده برای حجیت که چهار پنج دلیل بود پرداختیم و ضمن دلیل سوم که سیره عقلاییه بود به ده نکته در دایره و ابعاد سیره عقلا پرداخته شد که ضمن این معلوم شد اقوال تفصیل در مسئله است و قیودی که در حجیت اطمینان باید قائل بشویم و تفصیلاتی که در حجیت اطمینان بدهیم یا اطلاقی که در حجیت اطمینان هست

# آثار اطمینان

موضوع این جلسه این است که اطمینان در مواردی دیگر در حجج و امارات دارای آثاری است حتی اگر کسی قائل به حجیت آن نباشد این هم به عنوان یک فرع در ذیل مباحث متعرض می‌شویم

## فرع اول

در ذیل مباحث حجیت اطمینان متعرض می‌شویم نقشی است که اطمینان در حجج دیگر ایفا می‌کند حتی اگر قائل به حجیت اطمینان نباشیم.

بنابراین ارزش اطمینان منحصر به قول به حجیت اطمینان نیست کارکردهای دیگری برای اطمینان می‌شود تصور کرد حتی اگر یک حجت مستقل به حساب نیاید.

تأثیرات جانبی برای اطمینان در حجج می‌شود تصور کرد گرچه به عنوان یک حجت مستقل به شمار نیاید

یک نمونه در این مسئله حجیت امارات از قبیل خبر واحد و بینات و امارات و حجج مجعوله شرعیه مشهود است.

از قبیل خبر واحد و سؤالی که در آن حجج مطرح است این است که وقتی ما می‌گوییم خبر واحد حجت است آیا این مطلقاً حجت است یا مشروط به یک قیود و شرایطی است؟

# احتمالات در مسئله

در اینجا احتمالاتی متصور است گفته شده است در خبر واحد و در امارات دیگر هم طرح شده است ولی در خبر واحد فی‌الجمله این مسئله طرح شده است.

احتمالات در اینجا متصور است به این ترتیب است

## احتمال اول: حجیت علی الاطلاق

۱- در حجیت خبر واحد و امثال خبر واحد حجیت علی الاطلاق آن هست اعم از اینکه ظن یا اطمینان موافق خبر یا مخالف خبر حاصل بشود. قبل از اینکه احتمالات را بگوییم این صور مفروضه در ظن و اطمینان را بگوییم بعد به این احتمالات برمی‌گردیم.

## احتمال دوم: علم به خلاف

۲- وقتی خبری از ثقه مطرح شد و یک مطلبی را نقل کرد نسبت کسی که این خبر را دریافت می‌کند از لحاظ احتمال صدق، نسبت به آن خبر حالات و طیفی از حالات متصور است

یک بار است کسی علم به خلاف دارد، خبر وارد شد و ثقه هم هست ولی به دلیلی می‌دانم این اشتباه کرده است بدون اینکه من با ثقه بودن او هم مخالفت داشته باشم علم به خلاف بودن دارم. اینجا معلوم است که خبر حجت نیست علم دارد که این محتوا اعتبار ندارد در واقع می‌گوییم آن علم و آگاهی شخصی که خبر را دریافت کرده است نسبت به محتوای خبر احوال و اقسام و طیف دارد اول این قسم این است که علم دارد مفاد درست نیست اینجا همه می‌گویند قطعاً خبر حجت نیست

حالت دوم نقطه مقابل این، آن طرف طیف، علم دارد که این محتوا درست است این هم قدر متیقن حجیت است چون علم دارد این بالاتر از امارات و امثال آن است این علم ممکن است ناشی از خود خبر باشد این دو طرف طیف است.

پس نسبت دریافت‌کننده خبر، به محتوای خبر، دو حالت واضح دارد یک حالت علم به خلاف است که قطعاً حجت نیست و یک حالت هم علم وفاق و محتوا است که قطعاً حجت است. این دو حالت. میان اینها احوالی است که از نظر منطقی روشن است.

## احتمال سوم: ظن متأخم به علم

حالت سوم این است که اطمینان دارد به اینکه این درست است. علم نیست ولی ظن متأخم به علم است اطمینان است با همه بحث‌هایی که راجع به اطمینان گفتیم و تعریفی که ملاحظه کردید اطمینان به وفاق دارد. این هم باز شکی نیست که خبر حجت است

## احتمال چهارم

حالت چهارم، اطمینان مقابل است اطمینان دارد به اینکه این مطلب درست نیست، قطع ندارد ولی اطمینان دارد این حالت چهارم از آن جاهایی است که خودش را نشان می‌دهد ممکن است کسانی بگویند و گفته‌اند و بعید نیست اگر جایی کسی اطمینان به کذب و اطمینان به عدم صحت محتوا دارد خبر حجت نیست و اطلاقات سیره و اطلاقات لفظی اینجا را نمی‌گیرد یا انصراف دارد خبر واحد ثقه وقتی مطلبی را می‌رساند اگر اطمینان به خلاف آن باشد می‌گوییم حجت نیست

اینجا کارکرد اطمینان در این حالت چهارم معلوم شد ممکن است کسی نگوید اطمینان حجت است ولی می‌گوید اطمینان به خلاف مفاد بود اطلاق ادله حجیت را افاده نمی‌کند اینجا در این صورت چهارم کارکرد روشن شد.

همان‌طور که در صورت سوم هم ممکن است کسی بگوید شرط حجیت خبر واحد این است اطمینان به محتوا حاصل بشود. آن را هم ممکن است کسی بگوید ولی کمتر کسی می‌گوید آن وقت آنجا اطمینان کارکردی پیدا می‌کند درحالی‌که حجیت اطلاق و مستقل آن را کسی قبول ندارد.

پس در صورت سوم و چهارم می‌بینیم می‌شود برای اطمینان کارکاردهایی را متصور شد حتی از ناحیه کسانی که برای اطمینان حجیت قائل نیستند می‌گوید من نمی‌گویم اطمینان بماهو هو حجت است اما می‌گویم حجیت خبر و اماره مشروط به این است که مفید اطمینان باشد ورود خبر همراه با اطمینان حجت است

یا در صورت چهارم می‌گوید حجت خبر تا وقتی که اطمینان به خلاف آن نباشد

این چهار صورت است که در صورت سوم و چهارم به نحوی اقوالی ممکن است وجود داشته باشد که برای اطمینان کارکردی قائل است در دایره حجیت خبر یا اماره‌ای مثل خبر.

## احتمال پنجم و ششم

صورت پنجم این است که کسی بگوید حجیت اماره مشروط به این است که ظن موافق باشد

صورت ششم این است که حجیت خبر مشروط به عدم ظن به خلاف است این هم باید در جای خود بحث بشود

در این صورت پنجم و ششم باز به نحوی اطمینان هم نقش دارد ولی در ضمن ظن نه به صورت مستقل، برای اینکه اطمینان یکی از مراتب ظن است حصول ظن مطابق با مفاد شرط حجیت احتمال پنجم است یا لااقل گفتیم عدم ظن به خلاف شرط حجیت است که صورت ششم است طبعاً اطمینان هم ملحق به آن می‌شود و به‌طریق‌اولی اطمینان هم این نقش را دارد

اطمینان اینجا به شکل تبعی و ضمنی یک کارکرد و نقشی را ایفا می‌کند

این احتمالات در حجیت خبر است و در همه امارات این احتمالات را می‌شود تصور کرد و اگر کسی این احتمالات را قائل بشود و این صور را بپذیرد کارکردی برای اطمینان پذیرفته است درحالی‌که ممکن است اطمینان را حجت مستقل نداند پس در امارات با حجیت امارات اطمینان می‌تواند یک کارکرد مؤثر در دائره حجیت داشته باشد یا لااقل آنکه همه بشود قبول بکنند در این چهار صورت (صورت اول و دوم علم بود) در چهار صورت بعدی به نحوی اطمینان نقشی ایفا می‌کند در شمول و شعاع و دایره حجیت اماره.

اگر کسی اطمینان را مطلقاً حجت دانست و خبر را هم مطلقاً حجت دانست می‌رود روی تعارض.

کسی قائل به حجیت اطمینان نیست در صورت چهارم نمی‌گوید من اطمینان را باید عمل بکنم فقط می‌گوید کاری که اطمینان اینجا انجام می‌دهد این است که حجیت اماره را ساقط می‌کند.

صوری را که گفتیم باید ملاحظه نوعی و شخصی بودن را توجه داشت ممکن است کسی در احتمال چهارم بگوید حجیت خبر و اماره مشروط است به عدم اطمینان نوعی به خلاف یا حتی عدم اطمینان شخصی یعنی هر جایی که در این چهار صورت بحث اطمینان به میان می‌آید بحث اطمینان شخصی و نوعی را هم باید توجه داشت و احتمالات در واقع افزایش پیدا می‌کند مثلاً در صورت سوم می‌گوییم حجیت خبر مشروط است به حصول اطمینان نوعی یا اطمینان شخصی مطابق مفاد خبر.

احتمال چهارم می‌گوییم حجیت خبر مشروط است به عدم اطمینان به خلاف مفاد خبر است باز عدم اطمینان نوعی به خبر یا حتی عدم اطمینان شخصی. کافی است

در صورت پنج و ششم هم این مطرح می‌شود در صورت سه و چهار که به اطمینان نقشی به حجیت یا عدم حجیت می‌بخشیم تقسیم می‌شود به دو نوع اطمینان نوعی یا شخصی و آثار آن طبعاً متفاوت است.

سؤال: چطور می‌شود وقتی چیزی خود حجت نیست موجب حجیت شود

جواب: چه مانعی دارد ممکن است چیزی حجت نباشد ولی پیدایش آن چیزی را تخریب بکند یا حتی یک احتمال ممکن است بیاید حجتی را ساقط بکند چون دلیل آن کشش ندارد همه جا بگویند این حجت است مانعی ندارد.

خود ما حداقل این را قائلیم و قبول داریم عدم وجود اطمینان نوعی بر خلاف مفاد خبر از شرایط حجیت است اما در شخصی مورد تأیید است عدم اطمینان نوعی به خلاف این خبر شرط حجیت است لذا اگر کسی چیزی را نقل بکند ولی من شواهد و قرائنی دارم که اطمینانی دارم که این اشتباه کرده است این خبر حجیت پیدا نمی‌کند و لذا این مصداق دارد منت‌ها در بحث نوعی، این حداقل است

احتمال ششم مشروط به عدم ظن به خلاف است آنجا که ظن به خلاف دارد آن را تردید داریم. آقای وحید هم وقتی بحث می‌کردند این را با تردید از این عبور کردند ولی اطمینان را جدا بحث نکردند در بحث اصول.

ما خواستیم بگوییم حتماً برای اطمینان یک نقش و کارکرد ثانوی وجود دارد در اعتباربخشی یا در اسقاط اعتبار از حججی که از قبیل خبر واحد است ممکن است شرط حجیت بشود و یا مسقط حجیت بشود وجودش شرط بشود یا عدم آن شرط حجیت بشود اینها انواعی از نقش‌هایی است که در باب امارات می‌توان برای اطمینان به محتوا قائل شد.

این بحث را به عنوان نمونه دوم می‌شود در اصول عملیه بیان کرد مخصوصاً در استصحاب، استصحاب حالت سابق بکند که امر متیقن بوده است و الان شک دارد آن را استصحاب می‌کند این شک در بقایی که آنجا گفته شده است به معنای عام است و آنجا ممکن است کسی بگوید من در جایی که اطمینان به خلاف دارم و حالت سابقه را یقین داشتم و الان اطمینان به خلاف دارم و اطمینانم را حجت نمی‌دانم اما وجود اطمینان مانع می‌شود که استصحاب را جاری کنم موجب اسقاط استصحاب از حجیت می‌شود

## احتمال اول

یکی می‌گوید من حجیت استصحاب را مشروط به اطمینان می‌کنم اطمینان همین‌جوری حجت نیست ولی در باب استصحاب و اطمینان با هم باشد حجت است

## احتمال دوم

این است که می‌گوید استصحاب حجت است مادامی که اطمینان به خلاف آن حال سابق نباشد اگر اطمینان به حال سابق بود حجت نیست

این دو احتمال شبیه احتمال سه و چهار آنجاست که در اینجا متصور است که حصول اطمینان بر استمرار حال سابق موجب حجیت استصحاب می‌شود

احتمال دوم این است که مشروط به اطمینان مفاد حال سابق و استمرار حال سابق و بقاء ماکان بلکه ابقاء ماکان علی ماکان حجت است و درست است مادامی که اطمینان به نقض حالت سابقه نباشد اگر اطمینان به نقض شد دیگر جای استصحاب نیست.

ممکن است بگوید استصحابی حجت است که اطمینان به خلاف آن نباشد اگر اطمینان به نقض طهارت داشت دیگر این استصحاب حجت نیست. این دومی خیلی قریب است اطمینان همان علم است.

اگر کسی بگوید اطمینان حجتی است مثل سایر حجج، این همان قطع و به منزله قطع است ولی فرض می‌گیریم اینکه کسی می‌گوید من اطمینان را قبول ندارم مثل مرحوم آقا ضیاء.

فرض دیگر این است که اطمینان ملحق به قطع نمی‌شود ما قطع به طهارت سابق داشتیم و الان شک داریم یعنی حالات متعدده اطمینان به بقاء، اطمینان به عدم بقاء، ظن به بقاء، عدم ظن به بقاء، شک یا وهن، همه اینها مشمول استصحاب است ممکن است کسی بگوید من مشروط می‌دانم بقاء ماکان را به اینکه اطمینان به خلاف نباشد یک صورت از آن شش صورت را بیرون می‌آورد می‌گوید این اطمینان که اینجا آمد نمی‌گذارد ابقاء ماکان بکنیم.

بنابراین دو نمونه ذکر کردیم یکی در امارات از جمله خبر واحد و یکی هم در اصول عملیه از قبیل استصحاب، برای اینکه حتی اگر کسی قائل باشد اطمینان اعتبار و حجیت ندارد مثل آقا ضیاء این می‌تواند برای اطمینان نقش‌های ثانوی و کارکردهایی در تتمیم حجیت و یا اسقاط حجیت داشته باشد دو جور است یا شرط تمامیت حجت می‌شود یا مانعی می‌شود و مسقط حجیت می‌شود بنابراین دو نقش می‌شود برای اطمینان قائل شد به شکل ثانوی و غیر حجیت یکی متمم حجیت و یکی مسقط حجیت. پس یکی حجیت نقش اولیه‌ای است که در باب اطمینان می‌شود قائل شد ولی اگر کسی آن را قائل نشد حتماً برای اطمینان دو نقش متمم یا مسقط می‌تواند قائل بشود.

در واقع اطمینان در این کارکردهای جدید نقش متمم دارد نه از باب اینکه حجیت است از باب اینکه مانع حجیت است.

در جایی که اطمینان باشد دیگر برائت نیست و باید احتیاط کرد

صلی الله علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم